

بیاد حقیقت ایران

امیرفیض- حقوقدان

سراسر تلاشها برای کتمان حقیقت میلرزد و رسوا میشود- سراسر بیدادها فرو میریزد و شعاع تابناک حقیقت بردل‌های تاریک میتابد.

ما ایرانیان دریافیم، گوهری که در میانمان میدرخشید و چون باقهر، تابش آرا از خود براندیم به ظلمت و تباهی گرفتار شده ایم.

حقیقتی که برای ملتش میخروشد و برای سعادت و ایران و آرامش جهان مبتلاشد. حقیقتی که خودرا شناسانید و کس ندانست که او حقیقت ایران بود. او محمد رضاشاه شاهنشاه ایران بود.

برازنده حقیقت نیست که تنها از او دفاع شود باید حقیقت را شناساند. شناساندن حقیقت، ادای حق نیست حقیقت را باید به پیروزی و سرفرازی رساند.

معتبرترین و شریفترین فضیلت انسانی دفاع از حق است، حقی که پاداری ملت و وطن در هستی آن ادغام است.

باین فضیلت مسلح شویم و در راه پاسداری از این حق، که قائمه حیات ملت و ایران ماست آگاه و هشیار باشیم، بی هراس و متهور، سختگیر و صادق باشیم که راه نجات وطن در سرفرازی این حقیقت است.

بمناسبت روزهای چهارم و پنجم مرداد ماه هر سال که روزهای درگذشت رضاشاه کبیر و شاهنشاه آریامهر است به اتفاق به تحلیلی میرویم که آن، نگاهی به **سیر مشروطیت در دوران شاهان پهلوی** است.

انگیزه انتخاب این موضوع

ارزیابی قضاوت منصفانه خدمت و یا خیانت افراد فقط در چهارچوب مسئولیت و اقتداری که قانون به شخص داده قابل قبول است. ارزیابی و قضاوت نسبت به اشخاص در صورتی که خارج از مسئولیتها و اقتدار قانونی باشد قضاوت شخصی است و اعتباران محدود به شخص قضاوت کننده است اینکه شخصی خودخواه است، خسیس است، زن دوست است طمع مال دارد و یا برعکس، خصوصیات و صفات خوب و بد افراد است که آنهم نسبی است و میزان و پایه قضاوت ندارد تاچه رسد که بپای مسئولیت برسد.

مسئولیت و افتخار، که محصول خیانت و یا خدمت است هیچ ارتباطی به صفات شخصی مسئول خدمت ندارد بلکه رابطه مستقیم با قانون و اختیارات و موقعیتی دارد که قانون برای او مشخص کرده است. همانطور که نمیشود صفات شخصی افراد رابه حکومت کشور نسبت داد همانطور هم نمیشود صفات شخصی شخصیت های سیاسی و اداری و نظامی که بموجب قانون مصدر خدمت هستند ملاک قضاوت قرارداد این گونه قضاوت ها عامیانه است و جامعه هر قدر که از تفکرواندیشه بی بهره باشد به این نوع قضاوت عادت سرگرمی بیشتر دارد.

از آنجا که قضاوت و ارزشیابی متفکرانه و منصفانه نسبت به خدمات رضاشاه کبیر و شاهنشاه آریامهر متکی به قانون و اختیارات و مسئولیتهای آنان است و از آنجا که قانون اساسی و متمم آن تنها قانونی است که اختیارات و تکالیف شاهان پهلوی را معین کرده است و آن اختیارات است که مجوز وزیر بنای تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران بوده است و به

عبارت دیگر جواز آن تحولات، قانون اساسی و ابزار اجرایی آن اراده شاهان پهلوی بوده است لذا جادارد نگاهی به سیر مشروطیت در دوران قبل از سلطنت رضاشاه بزرگ و همچنین سیر مشروطیت در دوران سلطنت شاهان پهلوی داشته باشیم چراکه بدون این ملاحظه ارزیابی خدمات شاهان پهلوی فقط بصورت سطحی و نمایی ممکن است.

شاید انتخاب این موضوع بمناسبت سالگرد درگذشت رضاشاه کبیر و شاهنشاه آریامهر این توضیح را لازم داشته باشد که تاکنون آنچه از دریای عظیم خدمات شاهان پهلوی به نقد آورده شده بیان عینی و تحلیل موضوعی بوده است و پیوستگی آن تحولات و سازندگی ها در ارتباط با قانون اساسی و مشروطیت کمتر ملاحظه شده است کمتر به این موضوع عنایت تحقیقی شده است که تحولات و سازندگی ها امکان تحقق را نداشت اگر قانون اساسی در زمینه های اجتماعی و اقتصادی کاربرد لازم را نداشته باشد.

صرف تنظیم و تصویب قانون کافی نیست که جامعه بتواند زیر چتر اجرایی آن قرار گیرد قانون باید با ساخت و ساز جامعه هماهنگ و در موقعیتی باشد که موانع اجرایی آن برطرف شده باشد. گاه ممکن است احساسات و یانیز سطحی جوامع سبب وضع قانون بشود ولی اجرای آن با کوهی از مشکلات مواجهه که قابل اجرا نباشد مانند اصل دوم متمم قانون اساسی و یا قانون ملی شدن نفت از این مختصر، این برداشت ارائه شدنی است که صرف انقلاب مشروطیت و تصویب قانون اساسی و متمم آن دلیل رسیدن به مشروطیت نیست بلکه دلیلی بر حقانیت خواسته انقلاب مشروطیت است. رسیدن به مشروطیت وقتی متحقق است که موانع اجرایی در سر راه اصول قانون اساسی و متمم آن برداشته شود.

فصلی را که اکنون آغاز میکنیم در این راستای موضوعی است که مشروطیت ایران در جهت حرکت خود با چه مشکلات و موانعی مواجه بود و این موانع چگونه بوسیله شاهان پهلوی برداشته شد و در نتیجه سیر واقعی مشروطیت امکان پذیر گردید

برای تفحص در این تحقیق بجاست که سیر مشروطیت ایران را در ۳ دوره بشرح زیر در دستور کار قرار دهیم

دوره یکم - از فرمان مشروطیت تا پایان سلطنت قاجار

دوره دوم - مشروطیت در دوران سلطنت رضاشاه کبیر

دوره سوم - مشروطیت در زمان سلطنت شاهنشاه آریامهر

به امید آینده که بتوانیم باتفاق سیر مشروطیت را در دوران سلطنت شاهان پهلوی با سربلندی دنبال کنیم